

نسیم خوشبوی جمعه

چشم‌هایم را آرام باز می‌کنم. نسیم خوشبوی جمعه مژگانم را نوازش می‌دهد. آیا می‌شود امروز روز موعود باشد؟

قلبم به تپش می‌افتد. شور و شوق عجیبی در دلم بر پا می‌شود...

می‌شود امروز مهدی موعود و رحمت فراگیر و آن پناه بی‌پناهان بیاید؟ اگر این جمعه هم مثل...

برگ‌هایی از عشق ورق می‌خورند و من به این جمله می‌رسم: «إِنَّ رَحْمَةً رَبِّكُمْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ: همانا رحمت پروردگارتان همه چیز را فرا گرفته است و من آن رحمت فراگیر الهی‌ام.» امام زمان (عج)

بغضم می‌ترکد و اشک‌هایم جاری می‌شود. آقایم، مولا جان، ما تشنه رحمت فراگیر شما هستیم. این کره خاکی بدون رحمت شما از هم فرو می‌باشد. تا کی باید این ریشه‌های ظلم، چنگ‌های خود را با قدرت بیشتری در دل زمین رو کنند؟ تا کی باید چشم به عدالتی وصف ناپذیر بدوزیم و حسرتش را بخوریم؟

تاکی باید از گوهر وجودی شما کم نصیب باشیم و پرتوهای عدل‌تان را از پشت ابرهای سیاه گناه و ظلم دریافت کنیم؟

آقای من؛ هر روز برای آمدن دعا می‌کنم تا بیایی و دنیا با آغوش باز پذیرایتان باشد.

آقای من بیا!

بیا تا بین عشق ما و رحمت شما اتصالی ابدی و بی‌نهایت صورت گیرد...